

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرح نوتاش

۳۰ جنوری ۲۰۱۸

کولپس collapse

در جواب به خانم یلنا پاناماریوا*

از همان روز اول آن پایان، از کلمه کولپس در انگلیسی استفاده شد. و کولپس کلمه ای با وسعت معنای بسیار، بدرستی بکار گرفته شده است. که سقوط، اضمحلال، زوال، فروپاشی، و فرو ریختن جزو نیم صفحه معانی آن، در دیکشنری های مختلف است.

و این که چه کسی کدام معنا را در فارسی برای کلمه کولپس بر می گزیند از تلخی زهر به هیچ وجه نمی کاهد. مهم این است که عظیم ترین فاجعه در تاریخ حیات انسان، با نام فروپاشی، تجزیه، یا محوشدن از روی نقشه، روی داده است. با توجه به این که، ما امروز دیگر، به خوبی، به معنای کلمه "توجیه" واقفیم! حال تقصیر چه کسی است، این سؤالیست که من در مقابل شکست هایم همواره از خود می پرسم. و نهایتاً همیشه خودم را مقصر اصلی می یابم.

ما که نمی توانیم از حضرات امپریالیست ها، توقع داشته باشیم به ما لطف کرده و بگذارند که تا ما سرنگونشان کنیم! خوب پس اگر ما در هر جای دنیا، پای در راه مبارزه برای عدالت اجتماعی می گذاریم، باید یادمان باشد که دست از "من" شسته و به "مایی" پیوسته ایم. و به راه بی بازگشتی پای گذارده ایم و نمی توانی در میان راه، تصمیم به پذیرائی از خود به جای جمع بگیریم.

یعنی انتخاب ارجحیت دادن به جمع بر خود، ما را در مقابل تمام خود خواهی ها، دزدی ها و فساد و مال اندوزی ها باید بیمه کند.

این همه میلیونر ها، مافیا، و فساد که بعد از فروپاشی در اتحاد جماهیر شوروی یکجا فوران کردند، از کره مریخ که نیامده بودند. همانجا نشو نما کرده بودند. و انتخاب نفرت انگیز ترین خائنین تاریخ، یلتسین و گوربچف در عالی ترین مقام های حزبی، همانا نماد انحرافات ریشه ئی در حزب، از گذشته های دور بوده است.

پس بیانیم صادقانه دست از توجیه برداریم و از مقصر دانستن امپریالیسم به عنوان فاکتور اصلی، در به قول شما تجزیه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، بگذریم و در پی اصلاح خود باشیم و همواره بدانیم که امپریالیسم ذاتاً مدافع منافع یک در صد است و بس. خواستن چیزی به غیر از ذات یک موجود از آن، به واقع مبین ضعف شدید فکری ما در دیدن واقعیت هاست.

امپریالیسم برای حفاظت از نظام سرمایه، این همه تسلیحات در جهان به کار گرفته و تجهیزات هزار بعدی خود را همواره به روز می کند. بر شمردن فتنه های آن، البته بسیار مفید است ولی اشاره به درجه دوم بودن آن، نیز الزامی است.

این مائیم که باید صادقانه ضعف های خود را دیده و خود را از چنگ آن نجات دهیم. انتقاد از خود محور موجودیت ماست.

ما بودیم که قدر این انقلابی که ثمره آن همه جان فشانی بود ندانستیم و آن را بر باد دادیم.

گر نهد معمار یک خشت کج تا ثریا می رود دیوار کج

از این رو، خوب است که امروز ببینیم، که این دیوار فرو ریخته از کجی، از کجی تازه، فرو نریخته است. آنان که، آن روز خشت کج را دیدند و فریاد زدند، هشدار دادند، چقدر باید از بی توجهی به فریادها شان، مظلومانه رنج برده باشند و پیشاپیش برای امروز گریسته باشند

...

و می پیچد در هستی

صدای های های ... گریه های من

برای آنچه که ... داده ام بر باد

برای آنچه که ندانستم ارزشش

و با نادانی ... محو کردم از هستی

و شد ... یک خاطره

خاکستر... یک حسرت

که رفته است بر باد

...

و برای تنبیه خودم

اکنون ... لازم است که

با صبوری...

تلخی این زهر را هر روز

هزار بار مزه مزه کنم

تا یک بار نه...

ای کاش... هزاران بار بمیرم در روز

...

و بیاموزم و بیاموزم

که هرگز... بلاهت خود

و حماقت خود را

به دشمن قسم خورده خود

امپریالیسم

عودت ندهم

*- در جواب به خاتم یلنا پاناماریوا، در مقاله
"مکانیسم های تجزیه اتحاد جماهیر شوروی و قاعده دومینو" ترجمه ا. شیری

جبهه جهانی ضد امپریالیست قدرت زنان وین ۲۹ جنوری ۲۰۱۸